



فرزانه حاجی قاسمی، کارشناس
ارشد معماری منظر، دانشگاه
تهران
fr.hajjehqasbi@gmail.com



زیلارجبی، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه تهران
zhrjabi84@yahoo.com

منظر شهری دوستدار کودک* رویکرد منظرین در محیط شهر

چکیده: با گسترش موج شهرنشینی در دنیا از سویی و افزونی جمعیت از سوی دیگر، کودکان در تحولات مدرن شهری نادیده گرفته شده و لزوم توجه به آنها در شهرها بیش از پیش احساس می‌شود. شهر یک واقعیت زنده و پویا است که نباید خود را بر کودک تحمیل کند بلکه باید متناسب با شخصیت او شکل گیرد. در زمینه ارتباط شهر با کودک، نظریات فراوانی وجود دارد که معتبرترین آنها «شهر دوستدار کودک» است که برای اولین بار در دهه ۹۰ توسط یونیسف یا همان صندوق حمایت از کودکان ارائه شد. در این طرح، وزن بیشتر نگاه‌های عملکردی و کالبدی به شهر بر نقش هویتی آن سایه افکنده است. این نوشتار بر آن است تا با رویکردی منظرین به تحلیل همه جانبه محیط شهری دوستدار کودک پردازد و بعد فرهنگی و ذهنی آن را نیز قوام بخشد. منظر شهری دوستدار کودک، با نگاه عینی_ذهنی به پدیده شهر، مشارکت و نقش شهروندی کودکان را مبنا قرار داده و سه راهبرد توسعه زندگی پیاده، فعالیت در فضای جمعی شهری و طبیعت‌گرایی را در راستای افزایش نقش مشارکتی کودکان پیشنهاد می‌دهد. هر یک از این راهبردها، شامل سیاست‌ها و اقداماتی است که به ایجاد حس هویت، امنیت، تعلق مکانی و لذت می‌انجامد و شهر را به سوی بستری برای برآوردن نیازهای مختلف کودک و رشد و پرورش همه جانبه او سوق می‌دهد.

واژگان کلیدی: کودک، منظر شهری دوستدار کودک، زندگی پیاده، فضای جمعی، طبیعت‌گرایی.

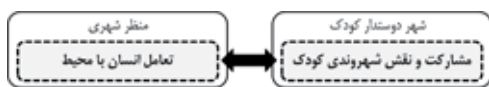


تصویر ۲

Pic 2

شهر دوستدار کودک

مفهوم شهر دوستدار کودک، در راستای نظریه‌های حقوق شهروندی برای کودکان است که از سال ۱۹۹۰ پیگیری می‌شود. طرح‌های دوستدار کودک در تلاش برای مشارکت دادن بچه‌ها در شکل دادن به محیط اطرافشان است (کامل‌نیا و حقیر، ۱۳۸۸: ۸۰). اساساً شهر دوستدار کودک به دنبال ضمانت تمامی حقوق این شهروندان جوان است. تصمیم‌گیری در خصوص شهر، مشارکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی، دسترسی به خدمات اساسی (مانند سلامتی، آموزش و سرپناه، نوشیدن آب سالم)، محافظت در برابر خشونت و جنایت، امنیت در فضاهای شهری، ملاقات با دوستان و بازی کردن، و در نهایت به رسمیت شناختن کودکان به عنوان یک شهروند، با داشتن دسترسی به همه خدمات بدون توجه به نژاد، مذهب و ناتوانی‌ها (Riggio, 2002: 48) از جمله این حقوق است. در این میان در کنار تمامی اهداف مثبت پروژه که مهم‌ترین آنها مشارکت کودک در شهر است، بعد هویتی کودک و شهر کم‌رنگ می‌نماید. برای رفع این کاستی می‌توان مفهوم «منظر شهری دوستدار کودک» را در بخش طراحی «شهر دوستدار کودک» مطرح کرد؛ چرا که منظر پدیده‌ای عینی-ذهنی است که از تعامل انسان و محیط ایجاد می‌شود. تعامل انسان با محیط، همان مشارکت و حضور کودک در شهر است و بعد ذهنی منظر، نقص هویتی شهر دوستدار کودک را پوشش می‌دهد (نمودار ۱).



راهبردها و سیاست‌های ایجاد منظر شهری دوستدار کودک

با نگاهی منظرین و براساس سه هدف هویتی، عملکردی و زیبایی منظر، راهبردها، و سیاست‌ها و اقداماتی برای دستیابی به منظر شهری دوستدار کودک معرفی می‌شود.

۱. توسعه زندگی پیاده

امروز غلبه دسترسی‌های سواره شهری، زندگی پیاده شهروندان را تا حد زیادی مختل کرده است که این امر بیش از همه کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که حرکت و جنب‌وجوش لازمه رشد و سلامت هر کودک است، تفکیک مسیر حرکت سواره و پیاده و امکان پیاده‌روی و دوچرخه سواری در شهر اولین اقدام در توسعه زندگی پیاده برای کودک است. تأمین ایمنی و امنیت شهر بنیادی‌ترین پیش‌نیاز در این زمینه است (تصویر ۱).

کودک به شدت نسبت به عوامل تهدیدکننده محیطی، حساسیت فیزیکی و روانی دارد. وی به شرطی در محیط محله و ناحیه مسکونی فعالیت می‌کند که کلیه حواس وی در وضعیت متعادل و آسایش و ایمنی باشد (حسینی و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۸). کودکان با امنیت ذهنی و ایمنی فیزیکی، فضای عمومی محله و شهر خود را به عنوان قلمرو مسکونی و در امتداد فضای خانه خود تصور می‌کنند. از جمله مواردی که در ایجاد حس امنیت در کودکان مهم جلوه می‌کند، استفاده از نشانه‌های قابل درک برای کودکان و خوانایی محیط (به‌وسیله رنگ‌ها، مصالح، رابطه و نظم)، ایجاد پیاده‌راه و امکان عبور از خیابان در شهر، کاهش جرایم خیابانی و قابل دفاع بودن گذر و تناسب مقیاس برخی عناصر فضایی شهر با کودکان است (تصویر ۲). در این صورت کیفیت فضا و تنوع فعالیت کودکان در آن بیشتر شده و کودک می‌تواند با خاطری آسوده، همپای بزرگ‌ترها در شهر قدم بزند و از ادراک محیط اطراف لذت ببرد.

مقدمه

کودکی اولین و مهم‌ترین دوران زندگی و مقدمه‌ای برای دگرگونی‌های شخصیت انسان بالغ است که نیازهای روان شناختی آن پیچیده‌تر از نیازهای فیزیولوژیکی است؛ لذا شناخت کودکان در روان‌شناسی رشد کودک، موضوع اصلی و مهم تلقی می‌شود:

«پیازه» معتقد است کودکان مثل بزرگسالان به مسایل نمی‌اندیشند و تجربه محیط مهم‌ترین عامل در رشد آنان است (نک به کاپلان، ۱۳۸۱: ۹۷). اما «اریکسون» بر ابعاد عاطفی رشد کودک تأکید می‌کند و ایجاد حس هویت در کودک را بر اساس شرایط فرهنگی و اجتماعی، مهم می‌داند و عقیده دارد احساس امنیت، اتکا به خود، ابتکار، کارایی و هویت، در مراحل رشد کودک تا زمان جوانی ایجاد می‌شود (همان: ۱۱۴). به غیر از این دو نظریه معتبر در روانشناسی رشد کودک، «سلسله مراتب نیازهای مازلو» گرچه به طور اختصاصی نیازهای کودک را بیان نمی‌کند اما ارتباط زیادی با روند رشد طبیعی وی دارد. مازلو نیازهای کودکان را به ترتیب، نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به امنیت، عشق و تعلق خاطر و احترام به خودشکوفایی معرفی می‌کند.

رویکرد جامعه‌شناختی، جدیدترین رویکرد پس از نظریات کودک محور است. این رویکرد کودک را یک فعال اجتماعی تلقی می‌کند که بخشی از شخصیت او در ارتباط با فضاهای مختلف شکل می‌گیرد. خانه، مهدکودک، مدرسه، پارک و دیگر فضاهای عمومی چون خیابان‌ها، کوی‌ها و کوچه‌ها باید قابلیت برآورده کردن نیازهای زیستی، آموزشی و فراغتی کودک را داشته باشند. اما شهر مدرن، نه تنها نمی‌داند چگونه کودک را بپذیرد، بلکه ترجیح می‌دهد او را تا زمانی که به سن رویارویی با محیط شهری برسد در اماکن محافظت شده مانند زمین‌های بازی نگه دارد (منصوری و قره‌بیگلو، ۱۳۹۰: ۶۳).

بنابراین سؤال مهم آن است که فضاهای شهری باید دارای چه ویژگی‌هایی داشته باشند تا برای رشد کودکان مناسب شوند. رویکرد جامعه‌شناختی کودک موجب پدید آمدن نظریات شهر محور گوناگونی شده که از بسیاری جهات ویژگی‌های مشترکی دارند:

دو طرح «شهر خلاق» و «شهر سالم» به لزوم تنوع کاربری‌های زمین، سرزندگی شهر و بروز خلاقیت، تأمین ایمنی و ایجاد فضاهای دفاع‌پذیر برای تمامی شهروندان و از جمله کودکان اشاره می‌کنند. اما مهم‌ترین نظریه‌ها تاکنون با عناوین «شهر برای کودک» و «شهر برای همه» شناخته شده‌اند که به دو الگوی «شهر دوستدار کودک» و «شهر انسان‌گرا» انجامیده‌اند. مورد اول پدیده‌ای وارداتی است، که در برخی شهرهای جهان اجرا شده و پرطرفدارترین و جدیدترین نظریه حال حاضر است. مورد دوم یعنی میزان تناسب شهرهای گذشته ایران با نیازهای کودکان باید از نظر میزان، چگونگی و امکان تأثیر آن، کارشناسی دقیق شود؛ لذا بر پایه رویکرد جامعه‌شناختی کودکان، طرح «شهر دوستدار کودک» به عنوان مبنایی برای ارائه راهبردهای ایجاد منظر شهری دوستدار کودک در نظر گرفته می‌شود.

فرضیه

«مشارکت کودک» مهم‌ترین اصل در برنامه‌ریزی و طراحی «منظر شهری دوستدار کودک» است که در قالب سه راهبرد توسعه زندگی پیاده، فعالیت کودک در فضای جمعی و طبیعت‌گرایی نمود پیدا می‌کند و به ایجاد حس امنیت، هویت، تعلق به مکان و لذت در کودک می‌انجامد.

تصویر ۲: کودکان با امنیت ذهنی و ایمنی فیزیکی، فضای عمومی محله را قلمرو خود تصور می‌کنند که این امر از طریق خوانایی محیط، ایجاد پیاده‌راه‌ها و تناسب مقیاس المان‌های شهری با کودکان ایجاد می‌شود. مأخذ: www.flickr.com

Pic2: With peace of mind and physical security, children consider the neighborhood as their territory. This may be achieved through legible environment, sidewalks, and making the scale of city elements proportionate with children. Source: www.flickr.com.

تصویر ۴: مشارکت کودکان در مناظر کشاورزی محلات درون شهری، بهترین نوع رابطه کودک با طبیعت است که امکان تجربه طبیعت و در نتیجه رشد و خلاقیت کودکان را فراهم می‌کند. مأخذ: www.gsaiblogs.gsa.gov

Pic4: Children's participation in agricultural landscape within city neighborhoods is the best kind of child-nature relationship which provides the children with the possibility of experiencing the nature and consequently facilitates their growth and creativity. Source: www.gsaiblogs.gsa.gov

تصویر ۱: اولین اقدام در توسعه زندگی پیاده، تفکیک مسیر حرکت سواره و پیاده و امکان دوچرخه سواری در شهر است. مأخذ: mleynek.blogspot.com/www

Pic1: The first step in promoting a "pedestrian life" is the separation of routes for motor vehicles and pedestrians and facilitating cycling in the city. Source: www.mleynek.blogspot.com.



۲. فضای جمعی شهری

در گذشته با وجود حیاطها و باغچه‌ها بسیاری از نیازهای بازی کودکان در داخل فضاهای خصوصی یا نیمه خصوصی خانه مرتفع می‌شد، اما با تغییر الگوی سکونت، حیاطها کمتر می‌توانند پاسخگوی نیاز آنها باشند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰). لذا تعامل کودکان در محیط شهری ضروری است. بازآفرینی موضوع فضای شهری از طریق ایجاد قلمرو خرد، میانی و کلان در شهر، با توجه و تأکید ویژه به احیای مفهوم هویت محله و خیابان محقق می‌شود (پهروزفر، ۱۳۸۰). کوچه و خیابان برای کودک باید فراتر از یک گذر و معبر و یک فضای مکت و فعالیت جمعی باشد.

محیط کوچه‌ها و خیابان‌ها که به عنوان فضاهای بازی غیررسمی تلقی می‌شوند، امکان تعامل گروه همسالان با اجتماع پیرامون در محلی نه چندان دور از محل زندگی را فراهم می‌آورد. این امر نقش مهمی در رشد ذهنی، شناختی و اجتماعی کودکان دارد، تا حدی که زمین‌های بازی طراحی شده نمی‌تواند جایگزین آنها شود. لذا طراحی کوچه‌ها و خیابان‌ها همانند زمین‌های بازی می‌بایست در راستای یادگیری کودکان نسبت به مفاهیم، روابط، شکل‌ها، اندازه‌ها، رنگ‌ها و مسایل زیباشناختی صورت بگیرد (Moore, 1990: 35)؛ (تصویر ۳). فعالیت در فضاهای جمعی شهر، لذت، آموزش، اعتماد به نفس، خلاقیت، ماجراجویی و کشف را به دنبال دارد. تعامل کودکان در محله‌ها، باعث انگیزش حس تعلق به مکان و هویت در کودکان می‌شود. تعلق مکانی در واقع رابطه‌ای است که میان کودک و محیط برقرار شده و براساس

این رابطه محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود. بنابراین تعلق به مکان از عناصر تقویت‌کننده هویت است و احساسی است که به مرور زمان شکل می‌گیرد (اسماعیل، ۱۳۸۵: ۲۹). با ایجاد حس تعلق به محله، کودک به محض خروج از خانه محیطی نیمه خصوصی-نیمه عمومی را تا ترک مرز محلات تجربه کرده و آرام آرام وارد فضای کاملاً عمومی و غیر قابل پیش‌بینی شهر می‌شود. حس تعلق به مکان، از حفظ نمادهای شهری، ویژگی‌های خاص فرهنگی-اجتماعی زندگی و میزان و نحوه فعالیت کودکان در فضاهای جمعی نشأت می‌گیرد.

۳. طبیعت‌گرایی

کودکان ذاتاً موجوداتی زیست دوست و طبیعت‌خواه متولد می‌شوند. بهترین رابطه کودک با طبیعت، تجربه و لمس آن است. ایجاد مناظر متمرکز شهری، امکان این فعالیت، جستجو و در نتیجه رشد و خلاقیت کودکان را فراهم می‌کند (تصویر ۴). همچنین کودکان محیط‌های طبیعی شهر را برای بازی به محیط‌های مصنوع شهری ترجیح می‌دهند. آنها می‌توانند ساعت‌ها با آب، ماسه و دوندگی در میان درختان سرگرم باشند و فعالیت‌ها و بازی‌های پر جنب‌وجوش مثل بالا رفتن از موانع، دویدن، سرخوردن و غلتیدن را تجربه کنند. فعالیت در طبیعت، از چند جنبه دیگر نیز برای کودک مفید است و لذت و ماندگاری تجربیات و بازی در ذهن کودکان را دو چندان می‌کند. در ضمن احساس امنیت و آسایش در کودکان نیز دوچندان می‌شود (تصویر ۵). بنابراین طبیعت به عنوان بستر رشد طبیعی تمام موجودات، با فراهم آوردن امکان

فعالیت، بازی‌های جمعی و مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی کودک را تقویت می‌کند. لذا باید در برنامه‌های توسعه شهری برای بازگرداندن طبیعت به منظر شهری و افزایش تماس و تعامل آن با کودکان تلاش کرد (زمانی، ۱۳۸۸: ۶۶).

نتیجه‌گیری

طرح شهر دوستدار کودک پاسخی جدید و جامع در زمینه تعامل محیط شهری و کودک است که حضور فعال و مشارکت کودک را اصل قرار می‌دهد. این طرح اما هویت محلی شهر و کودک را به حاشیه می‌راند؛ لذا رویکرد منظرین به صورت پدیدده ای عینی-ذهنی در این زمینه می‌تواند کمک کننده باشد. منظر شهری دوستدار کودک تنها در کالبد خلاصه نمی‌شود، بلکه حامل معنایی است که کودک به عنوان یک شهروند آن را درک می‌کند. در این رویکرد سه راهبرد توسعه زندگی پیاده، فعالیت کودک در فضای جمعی و طبیعت‌گرایی و سیاست‌های مربوط به هر یک، به ایجاد حس امنیت، هویت و تعلق به مکان در کودک و رشد و پرورش کامل او در شهر کمک می‌کند (جدول ۱).

پی‌نوشت

* مقاله حاضر برگرفته از رساله کارشناسی ارشد «زیلا رجبی» با موضوع "طراحی منظر شهری دوستدار کودک" است که به راهنمایی دکتر «احمدعلی فرزین» در گروه معماری منظر دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۱ ارائه شد.

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: ذوالفقاری و شهسواری، ۱۳۸۹ و جعفری، صالحی و صادقی نایینی، ۱۳۸۹
۲. معادل انگلیسی اصطلاح «منظر شهری دوستدار کودک»، CFUL یا همان Child Friendly Urban Landscape است.

جدول ۱. اهداف، راهبردها و سیاست‌های اصلی در منظر شهری دوستدار کودک. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲

Table 1. Goals, strategies, and basic policies in child friendly city landscape. Source: authors, 2014.

تصویر ۵: محلاتی که در طرح کالبدی خود از طبیعت بهره گرفته‌اند امکان کاوش، جستجو، تجربه و بازی را برای کودکان فراهم می‌کنند. در نتیجه بازی‌های جمعی و پویا، امکان پذیر شده و کودکان به مشارکت‌های گروهی و در نتیجه رشد توانایی‌ها و مهارت‌های اجتماعی تشویق می‌شوند. مأخذ: www.flickr.com

Pic5: Neighborhoods that have included nature in their framework facilitate research, search, experience, and playing for children. As a result, playing dynamic team games will be possible and children are encouraged to participate in group tasks and improve their social abilities. Source: www.flickr.com.

تصویر ۵
Pic 5



هدف «منظر شهری دوستدار کودک»، ارتقاء مشارکت و نقش شهروندی کودک است که بر تعامل انسان و محیط و بعد ذهنی و معنایی منظر تأکید دارد. این هدف از طریق راهبردهای توسعه زندگی پیاده، فعالیت کودک در فضای جمعی و طبیعت‌گرایی تحقق پیدا می‌کند. در این راستا و بر اساس نیازها و خواست‌های ویژه کودکان، اجرای سیاست‌هایی چون احیای مفهوم کوچه و ایجاد مناظر کشاورزی شهری جهت رشد و پرورش همه‌جانبه کودک، ضرورت پیدا می‌کند.

Child friendly Urban landscape* The Landscape Approach in Urban Environment

Zhila Rajabi, M.A in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran. /zhrajabi84@yahoo.com
Farzaneh Hajighasemi, M.A in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran. /fr.hajighasemi@gmail.com

Abstract: Childhood is the first and most important part of one's life and is the forepart for the transformation into adult life. The cognitive requirements of childhood are more complicated than its physiological requirements. The sociological approach views child as a social actor whose personality is formed through interaction with different places. Home, kindergarten, school, park, and other public places such as avenues, alleys, and streets should be empowered to provide children with their biological, educational, and leisure needs. At the same time, with the growing rate of urban life across the world from one side and the growing population from the other side, children are disregarded in modern urban evolutions. This emphasizes the increasing need for considering children in urban design. Cities are living-dynamic entities and should not be allowed to impose themselves to children but should form based on children's personality. One important point here is to find the urban characteristics that facilitate child growth. In the area of child-city relationship, there are a number of viewpoints. The most credible viewpoint, child friendly city (CFC), was first time introduced by UNICEF in the 90's. The CFC plan is based on active child participation and is basically seeking to guarantee the rights of these young citizens. The plan, however, puts more weight on structural and performance viewpoints of the city and marginalizes the local identity of the city and children.

Since landscape is an objective-subjective phenomenon resulted from the interaction between humans and the environment, Child Friendly Urban Landscape (CFUL) approach can be used to address the shortcomings of CFC. Human-environment interaction is displayed in participation and presence of child in the city and the subjective dimension of landscape will cover the shortcoming regarding the identity of CFC. Thus, this study aims to provide a comprehensive analysis of CFUL and to reinforce its cultural and subjective dimension with a landscape approach. Child participation is the most important principle in planning and designing CFUL which appears in three different approaches: promotion of the pedestrian life, child activity in the social urban areas, and naturalism. Each of these approaches include policies and initiatives that lead to sense of identity, security, location-attachment, and pleasure and lead the city to become a platform for attaining different needs of children and their comprehensive growth and nourishment.

Promotion of pedestrian life can be classified in five policies: separation of pedestrian and car routes and building sidewalks, facilitating

cycling, creation legible environment through signs and symbols, making urban elements proportionate to children and their safety, and security and protection of the passage.

Child activity in the social urban areas is also implemented through three policies: neighborhood-orientation and revival of neighborhood-oriented identity of Iranian cities, reproduction of alleys and their historical notion, and free activity of children in social spaces.

Moreover, the third approach, naturalism, is displayed in four policies: development of agricultural landscape in the city, development of nature-oriented playgrounds, increasing the greenbelt area per capita, and preserving the environment.

Keywords: child, child friendly urban landscape, pedestrian life, social space, naturalism.

Endnote

* This article has been taken from the M.A dissertation of Zhila Rajabi. It was presented in University of Tehran under the supervision Dr. Ahmad Ali Farzin

Reference list

- Behrouzfar, F. (2002). *Principles of developing open spaces near residential areas customized for children's physical and mental situation*. Tehran: The center for building and housing research.
- Ebrahimi, H., Saeedi Rezvani, N & Maani Majili, A. (2012). Development of principles of designing child playgrounds with emphasize on age range 5-12 (case study: Rasht). *Journal of Bagh-e Nazar*, 8(19): 31-42.
- Esmael, F. (2007). *New cities and collective memories (case study: new city of Mohajeran)*. Tehran: new town development co.
- Hoseini, S.B., Mozafar, F., Bagheri, M & Azemati, H. (2008). The role of open spaces in neighborhood in growth and creativity of children. *Journal of Bagh-e Nazar*, 4(8): 59-73
- Jafari, H., Salehi, E. & Sadeghinaeni, H. (2010). The study of safety in playgrounds for kids approaching environmental planning. *Journal of Environmental Studies*, 36(56): 13-24.
- Kamelnia, H. & Haghir, S. (2010). The patterns of greenbelt in "child friendly city". (Case study: Bam child friendly city). *Journal of Bagh-e Nazar*, 6(12): 77-88.
- Kaplan, P. S. (2003). *Psychology of growth: the adventurous journey of child*. Translated from the English by Firouzbakht M. Tehran Rasa press.
- Mansouri, S. A. & Ghare Bigloo, M. (2012). The quality of open space in interaction with children. *Journal of Iranian-Islamic city*, 6: 63-72
- Moore, R.C. (1990). *Childhood's domain: play and place in child development*. Berkley: MIG communication.
- Riggio, E. (2002). Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child. *Journal of Environment & Urbanization*. 14(2): 45-58.
- Zamani, Z. (2010). Child, nature, city- the necessity for revival of natural landscapes to children's living environment. *Journal of MANZAR*, 4: 58-61.
- Zolfaghari, M. & Shahsavari, E. (2010). The role of "creativity parks" in kids' creativity and innovation nurture. The first annual Conference on Management, Innovation and Entrepreneurship, Shiraz.

فهرست منابع

- ابراهیمی، حمیدرضا، سعیدی رضوانی، نوید و معانی منجیلی، آرزو. (۱۳۹۰). تدوین اصول طراحی فضاهای بازی کودکان با تأکید بر گروه سنی ۵ تا ۱۲ سال (مطالعه موردی: رشت). *مجله باغ نظر*, ۸ (۱۹): ۴۲-۳۱.
- اسماعیل، فاطمه. (۱۳۸۵). *شهرهای جدید و خاطرات جمعی (نمونه موردی: شهر جدید مهاباد)*. مجموعه مقالات شهرهای جدید. تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- بهروزفر، فریبرز. (۱۳۸۰). *مبانی طراحی فضاهای بازی نواحی مسکونی در تناسب با شرایط جسمی و روانی کودکان*. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- جعفری، حمیدرضا، صالحی، اسماعیل. و صادقی نایینی، حسن. (۱۳۸۹). بررسی ایمنی زمین‌های بازی کودکان در پارک‌ها با رهیافت برنامه‌ریزی محیطی. *مجله محیط‌شناسی*, ۳۶ (۵۶): ۲۴-۱۳.
- حسینی، سیدباقر، مظفر، فرهنگ، باقری، محمد و عطمتی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). نقش فضاهای بازی محله در رشد و خلاقیت کودکان. *مجله باغ نظر*, ۴ (۸): ۷۳-۵۹.
- ذوالفقاری، محمد. و شهسواری، الهام. (۱۳۸۹). نقش «پارک‌های خلاقیت» در پرورش خلاقیت و نوآوری کودکان. اولین کنفرانس سالانه مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، شیراز.
- زمانی، زهرا. (۱۳۸۸). کودکی، طبیعت، شهر، ضرورت بازگرداندن منظرهای طبیعی به محیط زندگی کودکان. *مجله منظر*, ۴ (۱): ۶۱-۵۸.
- کاپلان، پاول اس. (۱۳۸۱). روانشناسی رشد سفر پرماجرایی کودک. ترجمه: مهرداد فیروز بخت. تهران: نشر رسا.
- کامل‌نیا، حامد و حقیر، سعید. (۱۳۸۸). الگوهای طراحی فضای سبز در «شهر دوستدار کودک» (نمونه موردی: شهر دوستدار کودک بم). *مجله باغ نظر*, ۶ (۱۲): ۸۸-۷۷.
- منصوری، سید امیر. و قره بیگلر، مینو. (۱۳۹۰). کیفیت فضای بازی شهری در تعامل با کودکان. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*, ۶: ۷۲-۶۳.

هدف	راهبرد	سیاست	کیفیات مرتبط	بعد ذهنی
افزایش مشارکت و نقش شهروندی کودک	توسعه زندگی پیاده	تفکیک حرکت پیاده و سواره و ایجاد پیاده‌راه	حرکت و تنوع فعالیت کودک	هویت
		امکان دوچرخه‌سواری	بازی کودک	تعلق به مکان
فعالیت کودک در فضای جمعی	توسعه زندگی پیاده	خوانایی محیط با استفاده از علائم و نشانه‌ها	آموزش کودک	امنیت و ایمنی
		تناسب مقیاس برخی المان‌های شهری با کودکان	افزایش اعتماد به نفس کودک	لذت
توسعه زندگی پیاده	فعالیت کودک در فضای جمعی	تعالی حواس کودک	تبادل حواس کودک	تعلق به مکان
		ایجاد ایمنی و امنیت و کاهش جرائم خیابانی	رشد و خلاقیت کودک	لذت
توسعه زندگی پیاده	فعالیت کودک در فضای جمعی	محله محوری و احیای هویت محله‌ای شهر ایرانی	مشارکت، تقویت مهارت‌های اجتماعی	تعلق به مکان
		بازتولید کوچه و مفهوم تاریخی آن	و تعامل کودک با اجتماع	لذت
توسعه زندگی پیاده	فعالیت کودک در فضای جمعی	فعالیت آزاد کودک در فضاهای اجتماعی	جستجو، کشف، تجربه و ادراک محیط	تعلق به مکان
		ایجاد منظر کشاورزی در شهر (منظر مشمر)	افزایش کیفیت محیط	لذت
توسعه زندگی پیاده	فعالیت کودک در فضای جمعی	ایجاد زمین‌های بازی طبیعت محور	تعمیر محدودده محله به عنوان قلمرو مسکونی	تعلق به مکان
		بالا بردن سرانه فضاهای سبز شهری	حفظ نمادهای شهری	لذت
توسعه زندگی پیاده	فعالیت کودک در فضای جمعی	حفظ محیط زیست	حفظ نمادهای شهری	لذت



تصویر ۳: محیط کوچه‌ها و خیابان‌ها که به عنوان فضاهای بازی غیررسمی تلقی می‌شوند، با فراهم آوردن امکان تعامل گروه همسالان با اجتماع پیرامون در محلی نه چندان دور از محل زندگی، نقش مهمی در رشد ذهنی، شناختی و ساختار اجتماعی کودکان دارد. مأخذ: www.flickr.com

تصویر ۳: محیط کوچه‌ها و خیابان‌ها که به عنوان فضاهای بازی غیررسمی تلقی می‌شوند، با فراهم آوردن امکان تعامل گروه همسالان با اجتماع پیرامون در محلی نه چندان دور از محل زندگی، نقش مهمی در رشد ذهنی، شناختی و ساختار اجتماعی کودکان دارد. مأخذ: www.flickr.com